

بسم الله الرحمن الرحيم

اقدامات فرهنگی امام علی (ع) در دوران حکومت ۴ ساله

سعیده شیعی^۱

چکیده

حکومت چهارساله امام علی (ع) علیرغم مختصر بودن، دوره‌ای سرنوشت‌ساز و تأثیرگذار در تاریخ اسلام بود. این تحقیق با تمرکز بر «اقدامات فرهنگی امام علی (ع) در دوران حکومت ۴ ساله» به واکاوی راهبردها و برنامه‌های ایشان در این عرصه می‌پردازد. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که امام با درک نقش محوری فرهنگ در توسعه جامعه، مجموعه‌ای منسجم از اصلاحات بنیادین را به اجرا گذاشتند. محورهای اصلی این اقدامات شامل نهادینه‌سازی اخلاق اسلامی، مبارزه همه‌جانبه با باقی‌مانده‌های فرهنگ جاهلی، مقابله با انحرافات عقیدتی، اصلاح ساختارهای آموزشی، تربیت نیروهای کارآمد و ترویج فضای نقد سازنده بود. این سیاست‌های فرهنگی که با انسجام و دوراندیشی اجرا شد، نه تنها در زمان حکومت ایشان، بلکه به عنوان الگویی ماندگار برای تمدن اسلامی درآمده و بینش عمیق و نظام‌مند امام (ع) را در مهندسی فرهنگی جامعه به نمایش می‌گذارد.

کلید واژه‌ها:

اقدامات فرهنگی، امام علی (ع)، حکومت، دوران ۴ ساله، اقدامات فرهنگی

^۱ مرکز آموزش های غیر حضوری قم، طلبه سطح دو، sydhshyy@gmail.com

فرهنگ واژه فارسی و مرکب از دو جز «فر» و «هنگ» است. «فر» به معنای شکوه و عظمت است و اگر به عنوان پیشوند به کار رود، به معنای جلو، بالا، پیش و بیرون است و «هنگ» از ریشه اوستایی «سنگ» به معنای کشیدن، سنگینی و وقار است. این واژه مرکب به معنای بیرون کشیدن، برکشیدن است که در ادبیات فارسی به مفهوم لغوی خود به کار رفته است.^۱

لغت فرهنگ دارای معانی و مفاهیم متفاوت و متنوع است و در سیر تاریخی خود، معانی مختلفی را در ادبیات فارسی به خود گرفته است. فرهنگ در لغت نامه دهخدا به معنای دایره المعارف، قاموس، لغت نامه، مرجع، معجم، واژگان، واژه نامه، آداب دانی، ادب، تربیت، آموزش و پرورش، معارف، ادبیات، بینش، تمدن، خرد، دانش، علم، فرهیختگی، فضل، معرفت، معلومات آورده شده است.^۲

اما فرهنگ در اصطلاح به شیوه ای از زندگی اطلاق می شود که اعضای یک جامعه آن را فرا می گیرند و (بدان) عمل می کنند و از نسلی به نسل دیگر انتقال می دهند.^۳ بعضی هم نگاشته اند که فرهنگ عبارت است از مجموعه ای از بایدها و پندارهای ارزشی یک جامعه که در آداب و رسوم، زبان، ادبیات، مذهب و سایر میراث های فرهنگی تجلی می یابد و روی رفتار و خلق و خوی انسان ها تاثیر می گذارد. یا این چنین از فرهنگ تعبیر کنیم که فرهنگ، حقیقت و هویت معنوی ملت ها است که ساختار کیفی زندگی یک ملت را مشخص نموده به گونه ای که زندگی کمی و مادری او را تحت تاثیر قرار می دهد.^۴

همچنین در تعریف فرهنگ اسلامی گفته اند مجموعه ای از اعتقادات و اصول اسلامی آداب رسوم، اخلاق و ارزش ها و قوانین است که از وحی سرچشمه گرفته شده است.

پس از وفات رسول اکرم (ص) تربیت یافته این مکتب یعنی امام علی (ع) از هیچ گونه کوشش جهت احیای فرهنگ اسلامی علی رغم مشکلات و موانع پیش روی به ویژه بعد از به خلافت رسیدن دریغ نورزیدند و در نهایت پرورش فرهنگ ناب اسلامی حرکت نمودند.

^۱ رفیعی، بایسته های فرهنگ کار مطلوب از منظر امیرالمؤمنین علی، ص ۹۳

^۲ لغت نامه دهخدا

^۳ مطهری، یادداشت های استاد مطهری، ج ۶، ص ۴۰۷

^۴ کوئن، درآمدی بر جامعه شناسی، ص ۴۶

امام علی (علیه السلام) در خطبه ۱۸۰ نهج البلاغه، خدمات فرهنگی و تربیتی خود به امت اسلامی یادآور می شوند. ایشان پس از نکوهش و سرزنش یارانش به دلیل سستی در امر جهاد در شرح خدمات مهم فرهنگی و تربیتی خویش نسبت به امت اسلامی مخصوصاً در مورد یارانش می فرمایند: «من کتاب خدا را به شما تعلیم دادم او تفسیر و تأویل آن را به شما آموختم»؛ قَدْ دَارَسْتُكُمْ الْكِتَابَ. به یقین، «قرآن» در میان مسلمان ها بود و شب و روز آن را قرائت می کردند و نیازی به تدریس امام (علیه السلام) نبود؛ بلکه منظور، فهم محتوای «قرآن» و رسیدن به عمق دستورات آن است، آیات الهی را برای مردم تفسیر می کردند و خطبه های آن حضرت همه جا از این آیات نشأت می گیرد.

در بیان دومین خدمت می فرمایند: «من درهای استدلال را به روی شما گشودم؛ وَ فَاتَحْتُكُمْ الْحِجَابَ». اشاره به اینکه بعد از دلیل نقل، شما را به ادله عقلیه که یکی از دو حجت الهی است آشنا ساختم.

و در بیان سومین خدمت می فرمایند: «و آنچه را [از نیکی ها] نمی شناختید به شما معرفی کردم؛ وَ عَرَفْتُكُمْ مَا أَنْكَرْتُمْ». اشاره به اینکه حقایق بسیاری بود که بر شما پوشیده بود و از آن بی خبر بودید؛ من از روی آنها پرده برداشتم و حقیقت آن را آشکار ساختم.

و سرانجام در بیان چهارمین خدمت فرهنگی می فرمایند: «و آنچه [بر اثر نادانی و جهل] از دهان فرو می ریختید برای شما گوارا ساختم؛ وَ سَوَّغْتُكُمْ مَا مَجَبْتُمْ». به این مفهوم که بسیاری از دستورات اسلام بود که شما به عمق و حقیقت آن نرسیده بودید؛ از این رو آن را ناخوش می داشتید و از آن فاصله می گرفتید؛ ولی من اسرار و فلسفه های آنها را روشن ساختم تا همچون جرعه ای گوارا آن را بنوشید.^{۲۱}

کتابها و مقالات زیادی در رابطه با موضوع اقدامات فرهنگی امام علی علیه السلام در دوران حکومت ۴ ساله نوشته شده از جمله کتابهایی که به رشته تحریر درآمده اند کتاب سیره فرهنگی ارتباطی امیرالمومنین در دوران حکومت نوشته سید محمد کاظمی قهفرخی و همچنین مقاله بررسی و تحلیل موانع تحقق اهداف فرهنگی امیرالمومنین در دوره حکومت ایشان به قلم عزت الله مولایی نیا و همچنین کتاب توسعه فرهنگی از دیدگاه امام علی (ع) نوشته شهناز حاجیلو از جمله این موارد می باشند. تفاوت این مقاله با مقالات مرتبط در این است که به صورت مفصل و اختصاصی به اقدامات اشاره کرده و آن ها را بررسی و تحلیل می نماییم و ضرورت انجام این مهم

^۱ نهج البلاغه، خطبه ۱۸۰

^۲ مکارم شیرازی، پیام امام امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ص ۶۵۲

آشنایی با ولایت و رهبری امیر مومنان و الگو قرار دادن تفکرات عالمانه ایشان در تمامی زمینه ها به ویژه زمینه در بخش فرهنگی است، امید است با الگو قرار دادن این رهبر عالم و عدالت خواه جامعه را از هر نظر بر پایه های درستی بنا کنیم. نوشتار حاضر درصدد بررسی اقدامات فرهنگی امام علی (ع) در دوران حکومت ایشان است و تا حدودی سعی شده که خواننده را با نقش ایشان در این فعالیت ها آشنا سازد.

اقدامات فرهنگی

با آغاز خلافت امیر مومنان علی (ع) فرصت برای فعالیت های فرهنگی فراهم شد. بدین سبب حضرت شمه ای از آن معارف الهی را که خداوند در وجود او به ودیعت نهاده بود بیان کرد و در جلسات عمومی و خصوصی^۱ و نیز در گفت و گو با غیرمسلمانان حقایقی را آشکار ساخت.

امام علی (ع) با انتخاب کوفه به عنوان مرکز خلافتشان سعی نمودند که معارف و اسرار به یادگار مانده از پیامبر را برای افراد مورد اعتماد بیان نماید. امام (ع) سعی داشتند انقلاب فرهنگی با مبتنی بر اصول و شیوه برآمد پیامبر (ص) را ادامه دهند. چیزی که توجه تاریخ را به خود جلب نموده بود موفقیت پیامبر اسلام در تحول جامعه جاهلی به جامعه اسلامی در کوتاه ترین زمان ممکن بود. این حرکت مانند ساقه درخت در مدتی نه چندان طولانی همه افق های دور را در نور دیده بود و تمدن ها و فرهنگ های کهن آن سوی جزیره العرب را نیز تحت الشعاع خودش قرار داده بود. ایشان موفق شدند بی آنکه از راهکارهای ناروای سیاستمداران و زورمندان استفاده نماید، انقلاب و دگرگونی فرهنگی عظیمی را باعث شوند. در ادامه به تشریح برخی از اقدامات فرهنگی مهم امام (ع) در دوران خلافتشان پرداخته می پردازیم.

۱- تلاش در جهت نهادینه کردن اخلاق اسلامی

در این بخش به برخی اخلاقیات و رفتارهای حضرت علی (ع) اشاره می شود:

۱-۱- واقع بینی و ترک آرزوهای منفی

کسانی که واقع بین نیستند و منفی بافی می کنند یا به دنبال آرزوهای دراز هستند، از شخصیت پسندیده ای بهره مند نیستند. قضاوت های نادرست، آنان را در جامعه بی ارزش می کند و در میان دوستان بی اعتبار می

^۱ امینی، الغدیر، ص ۳۷

گرداند. آدمی باید با کمک عقل و بینش صحیح خود، واقعیت ها را درک کند و آرزوهای منفی را از دل خود ریشه کن نماید؛ زیرا که آرزوهای دست نیافتنی یا منفی، عقل و اندیشه فرد را ضعیف می سازد .

حضرت علی (ع) می فرماید : «وَأَعْلَمُوا أَنَّ الْأَمَلَ يُسْهَى الْعَقْلُ؛ بدانید که آرزوهای خام و منفی، عقل را دچار غفلت می سازد».^۱ آرزوهای دور و دراز در امور دنیوی، نه تنها انسان را محتاج دیگران می سازد، بلکه به تدریج معنویت از زندگی او گرفته می شود و چه بسا به پایین ترین مرتبه انسانی تنزل می یابد.

۲-۱ - اعتدال و میانه روی

اعتدال و میانه روی، یعنی واقعیت ها را همان گونه که هستند بپذیریم و به دیگران بگوییم و نیز در بیان سخنان، در قضاوت ها، در اخبار و گزارش های خود اشتباه نکنیم و به حقیقت آنها بپردازیم. آنان که از این ارزش اخلاقی بی بهره اند، در رفتار و کردارشان، نظم و برنامه ای ندارند. به سرعت به چیزی دل می بندند و ناگهان بی دلیل از همان چیز متنفر می شوند. همچنین، در بیان دیده های خود زیاده روی می کنند. بنابراین، کندرو یا تندرو بودن در کارها، می تواند بزرگ ترین ضربه روحی را از نظر فردی و اجتماعی بر ما وارد سازد. با میانه روی در هر کاری، زندگی مان به نظم خواهد شد و یقیناً در رفتار و کردار خود بیشترین دقت را خواهیم کرد. امام علی (ع) هشدار می دهد: «الْتَرَى الْجَاهِلَ إِلَّا مَفْطًأً أَوْ مَفْطًأً؛ همیشه جاهل و نادان، یا افراط گراست، یا تفریط کننده».^۲ در جای دیگر نیز در تبیین بیشتر این مسئله می فرماید: «ثَمَرَةُ التَّفْرِيطِ النَّدَامَةُ وَ ثَمَرَةُ الْحَزْمِ السَّلَامَةُ؛ ره آورد تفریط، پشیمانی و ثمره دوراندیشی، سلامت و رستگاری است».^۳

۳-۱ - تواضع و فروتنی

تواضع و فروتنی یکی از ارزش های پسندیده اخلاقی است که با آن می توان بر دل های دوست و دشمن راه یافت. آنانی را که با قهر و ناسازگاری با ما رفتار می کنند، با تواضع و خوشرویی، می شود به دوستی و مهربانی واداشت و رضایت و شادمانی را بر دل ها نشانند. امام علی (ع) می فرماید: «وَبِالتَّوَّاضُعِ تَتِمُّ النِّعْمَةُ؛ با فروتنی و خوشرویی، نعمت ها کامل می شود».^۴ همچنین، فرموده است: کسی که متواضع باشد، دوستانش فراوان خواهند بود.^۵

^۱ نهج البلاغه، خطبه ۸۶

^۲ نهج البلاغه، حکمت ۲۲۴

^۳ همان، کلمات قصار، ۲۱۰

در چنین شرایطی امام علی (ع) تصمیم گرفتند تا در خطبه های خود به طور مفصل به این مساله بپردازند و مردم را از دنیا گری دور کنند. بر همین اساس، آن حضرت طی نامه هایی به کارگزاران خود، آنان را از رفت و آمد با افرادی که دنیا محور بودند نهی نمودند.

همان طور که می دانیم فرهنگ دنیا گرایی به منزله یک مانع محکم است که مانع از رشد فرهنگ خدا محور می شود پس برای موفقیت در جهاد فرهنگی باید افراد این میدان از مبارزه حساب شده و اصولی با دنیاگرایی و رفاه طلبی غافل نشوند و آن را در اولویت های تبلیغی و جهادی خود قرار دهند. آنها این خصوصیت را باید در خود پیاده کنند تا به عنوان الگوی عملی مردم حرف های آنها را باور کنند مانند حضرت (ع) که هر چه را که می گفتند انجام می دادند و برای خودشان نیز صدق می کرد و همدردی و ساده زیستی با محرومین و فقرا زبانزد خاص و عام بود. بعد از ۱۴ قرن او امام الزاهدین است و نوای ملکوتی اش که خطاب به دنیا فرمود:

«هَيْهَاتَ غُرَى غَيْرِي لَا حَاجَةَ لِي بِكَ قَدْ طَلَّقْتُكَ ثَلَاثًا لَا رَجْعَةَ فِيهَا؛ هَيْهَاتَ! كَسَى غَيْرَ مِنْ رَا فَرِيبَ بَدَه، مِنْ نِيَاذِي بِه تُو نَدَارْم، مِنْ تُو رَا سَه طَلَاَقَه كَرْدَم كِه بَاَزْگَشْتِي دَر آن نِيَسْت»^۱.

۵- تربیت شاگردان برجسته

تربیت شاگردانی مستعد و با فضیلت یکی از شیوه های جهاد فرهنگی بود که معارف ناب اسلامی را در مکتب امام علی علیه السلام آموخته بودند و نشر می دادند. همانطور که واضح است اگر نیروهای ورزیده جهادگر در سپاه خودی بیشتر باشد احتمال پیروزی نیز بیشتر خواهد بود این قضیه برای جهاد فرهنگی نیز صدق می کند. در کارهای فرهنگی هم به خاطر گستردگی کار و ابعاد مختلفی که در آن وجود دارد کار جمعی بسیار بیشتر از کار انفرادی نتیجه خواهد داد به همین خاطر می بینیم که در زندگی امامان معصوم پیوسته به پرورش شاگردان و نیروهای مستعد می پرداختند و هر کدام را در قسمتی از جبهه جهاد فرهنگی موظف به انجام مسئولیت هایی می کردند. امام صادق علیه السلام هر کدام از شاگردان خود را با توجه به توانایی هایشان برای انجام کار خاص تربیت می کردند به عنوان مثال مباحث و مناظرات اعتقادی را به جوان کوشایی به نام هشام بن حکم واگذار کرده بودند. یکی از راهکارهای حضرت علی علیه السلام و همه معصومان (ع) نیز انجام کار گروهی و تربیت نیروهای ورزیده با توان علمی و اخلاقی کافی بود که این امر سرمشق بسیار مناسبی برای همه مجاهدین و مبلغین عرصه فرهنگ اسلامی خواهد بود.

^۱ الرضی، خصائص الأئمه (ع)، ص ۷۱

۶- توسعه آموزش و پرورش

در نظام علوی، توسعه فرهنگی بر توسعه اقتصادی، تقدّم دارد؛ زیرا افزون بر این که توسعه اقتصادی بدون توسعه فرهنگی ممکن نیست، جامعه خفته و در جهل فرو رفته، نه از امکانات و زمینه‌ها و بایسته‌های اقتصادی برخوردار است، و نه بر چگونگی بهره‌وری از آن چیره، و نه بر ضرورت بهره‌وری و استفاده از آن آگاه است.

توسعه فرهنگی و آموزش و پرورش، نیاز جان و خرد انسانی است و توسعه اقتصادی، خواست تن؛ و روشن است که نیاز جان و خرد، بر نیاز جسم و تن، مقدّم است. امام علی (علیه‌السلام)، دانش را پایه و اساس همه خوبی‌ها و کامیابی‌های مادی و معنوی، و معیار ارزشیابی انسان می‌دانست و معتقد بود که جهل، ریشه همه بدی‌ها و ناکامی‌هاست: «قِيمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يَعْلَمُهُ»^۱ ارزش هر انسان به اندازه چیزی است که می‌داند. در جای دیگر نیز می‌فرمایند: «الْعِلْمُ اَصْلُ كُلِّ خَيْرٍ. الْجَهْلُ اَصْلُ كُلِّ شَرٍّ»^۲ دانش، پایه هر خوبی، و نادانی پایه هر بدی است.

همچنین تاکید داشت که نیاز مردم به دانش و تحصیل اخلاق شایسته، بیش از نیازهای اقتصادی آنهاست: «اِنَّ النَّاسَ اِلَى صَالِحِ الْاَدَبِ اِحْوَجُ مِنْهُمْ اِلَى الْفِضَّةِ وَالذَّهَبِ»^۳ به درستی که مردم، به فرهنگ نیکو نیازمندترند از طلا و نقره.

همچنین فرمودند: «اَنْكُمْ اِلَى اِكْتِسَابِ الْاَدَبِ اِحْوَجُ مِنْكُمْ اِلَى اِكْتِسَابِ الْفِضَّةِ وَالذَّهَبِ»^۴ به درستی که شما به کسب ادب و فرهنگ، نیازمندترید از کسب طلا و نقره.

اگر مسئله را از زاویه دیگر نگاه کنیم، در آموزه‌های الهی به این نکته تصریح شده است که فلسفه وحی و راز نبوت و چرایی حکومت در مکتب رسولان، آموزش و پرورش انسان‌ها، جهل‌زدایی و برانگیختن خردهاست و علی (علیه‌السلام) که بیشتر از هر کسی ذهن، زبان و کردارش، مبین و مفسر فرهنگ نبوی بوده است، این حقیقت را به گونه‌ای بس زیبا در خطاب‌هایش برنموده است^۵ و ضرورت پرداختن به فرهنگ و ادب مردمان، و تقدّم آموزش و پرورش بر آب و نان انسان، و تاکید بر گسترش فرهنگ را در کنار ابعاد دیگر زندگی، در سیره عملی خود نیز به

^۱ ری شهری، علم و حکمت در قرآن و حدیث، ص ۳۶

^۲ همان، ص ۴۰

^۳ آمدی، غررالحکم و دررالحکم، ص ۲۳۷

^۴ همان، ص ۲۶۹

^۵ امام علی (ع)، نهج البلاغه خطبه ۱ و ۲

روشنی عرضه کرده است. چه زیباست کلام او که جامعه جاهلی را نماد جهل گستری و دانش‌گشی می‌داند، که بی‌گمان، جامعه نبوی، علوی و الهی باید جز آن باشد.^۱

۷- استقبال از نقد و رد چاپلوسی

انتقاد حقی است که سایر حقوق به وسیله آن زنده می‌شود و از استبداد (که خطرناک‌ترین آفت حکومت‌هاست)، پیش‌گیری می‌کند. در جامعه‌ای که انتقاد، آزاد است و مردم می‌توانند ضعف‌ها و کاستی‌های مدیریت حاکم را بر زبان آورند، دولت مردان، بهتر می‌توانند نقاط ضعف کارهای خود را مشاهده کنند و با فساد و بی‌عدالتی، مبارزه نمایند و خدمات ارزنده‌ای ارائه دهند.

از طرف دیگر، با نبودن انتقاد، زمینه برای رشد چاپلوسان و تملق‌گویان، باز می‌شود؛ نقاط ضعف سیاست‌ها و برنامه‌ها و اقدامات دولت مردان، پنهان می‌ماند و در نتیجه، فساد و تباهی و بی‌عدالتی در دستگاه‌های دولتی رشد می‌کند و به سقوط حکومت‌ها ختم می‌شود.

وقتی که امیرمؤمنان (علیه‌السلام)، به خلافت رسیدند، ستایش‌های بی‌مورد و گزافه‌گویی‌ها درباره زمامداران، بخشی از فرهنگ عمومی بود. حاکمان نه تنها از آن جلوگیری نمی‌کردند که بدان دامن می‌زدند. فرهنگ چاپلوسی و تملق زیاد شده بود و زیرکان حقیقت ستیز، با چاپلوسی امرا و سردمداران، بدون شایستگی‌های لازم، به موفقیت‌های سیاسی و اجتماعی دست می‌یافتند. از آن جایی که سران نقد نمی‌شدند، مودشان را بی‌عیب و نقص می‌دانستند و در ادامه این روند، انتقادهای و نقدهای از سر دلسوزی و سازنده را اهانت تلقی می‌کردند و برخورد با افراد منتقد را دستور دادند. از جمله زیباترین و هیجان‌بارترین اقدامات علوی در تصحیح فرهنگ عمومی، مبارزه با چاپلوسی و تملق‌گویی و تاکید بر لزوم نقد و انتقاد سازنده است.

امام علی علیه السلام از کارگزاران خود می‌خواست تا کسانی را برگزینند که در حق گویی صراحت بیشتری داشته و با آنان به گونه‌ای رفتار کنند که هرگز به تملق دل نبندند و از نقد و انتقاد ناراحت نشوند و در ستایش زیاده‌گویی نکنند و از مردم می‌خواست که او را ستایش نکنند به خاطر انجام وظایف الهی که انجام داده است و از مردم می‌خواست که اگر به برنامه‌های ایشان انتقادی دارند و رفتار او قابل نقد می‌باشد خیرخواهانه به ایشان بگویند. نکته قابل توجه برخورد هوشمندانه امام با انواع انتقادهاست. ملاحظه سیره وی در برخورد با انتقادهای و اعتراضات سه جریان عمده سیاسی مخالف خود «ناکثین، قاسطین و مارقین» نشان می‌دهد که اگر او به صورت

^۱ همان، خطبه ۲

رسمی و عملی از مردم می‌خواهد تا انتقاد خود را با صراحت بیان کنند، اما به افراد قدرت طلب و کینه‌توز و توطئه‌گر، اجازه نمی‌دهد برای رسیدن به مقاصد سیاسی و به بهانه نقد و انتقاد، هر آنچه می‌خواهند، بگویند و بنویسند.^۱

نتیجه گیری

علی رغم کوتاه بودن حکومت امام علی (ع)، اما اقدامات ایشان به ویژه در جهت فعالیت های فرهنگی توانست آثار فراوانی برای جامعه بشری به همراه داشته است. امام (ع) با انجام اقداماتی از قبیل واقع بینی و ترک آروزهای منفی، اعتدال و میانه روی، تواضع و فروتنی، عفو و گذشت، راز داری و حفظ آبروی دیگران، صبر و بردباری و حیا و خویشتن داری در جهت نه‌اینه ساختن اخلاق اسلامی تلاش نمودند. همچنین به منظور مبارزه با فرهنگ جاهلیت و ضد ارزش های فرهنگی و اخلاقی دست به کارهایی از جمله تبدیل زیر پا گذاشتن ارزش های انسانی به اهتمام به ارزش های انسانی، تغییر عصبیت و خشونت جاهلی به ملایمت و رفق اسلامی، مدارا با دشمنان و مخالفان زدند. به علاوه با مقابله با افکار خوارج، مبارزه با منحرفان و منافقان، نقد و مبارزه با بدعت ها، اهمیت به نشر احادیث نبوی (ص)، پاسخگویی به شبهات و سوالات دینی و افزایش آگاهی و تبیین معارف دین به مبارزه با افکار و عقاید انحرافی پرداختند. همچنین از شیوه های جهاد فرهنگی ایشان تربیت شاگردانی بود که معارف ناب اسلامی را که در مکتب امام (ع) آموخته بودند و نشر می‌دادند. حضرت علی (ع) نیز توانستند در جهت مبارزه با فساد اجتماعی، توسعه آموزش و پرورش و استقبال از نقد و رد چابلوسی اصلاحات فرهنگی را انجام نمایند. با توجه به مطالب گفته شده می‌توان دریافت که امام (ع) در پی تحقق انقلاب فرهنگی اش لحظه ای کوتاهی نکرد و در بازسازی و پاک کردن پیرایه ها از دین مقدس اسلام با استفاده از سرچشمه معارف الهی و علوم نبوی دریغ نمودند.

^۱ ری شهری، رهبری در اسلام، ص ۴۱۸-۳۹۱

فهرست منابع

قرآن کریم، ترجمه فولادوند

نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی

- (۱) آمدی، عبدالواحد بن محمد؛ غررالحکم و دررالکلم: قم: دار الکتاب الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.
- (۲) امینی، عبدالحسین؛ الغدير: ترجمه محمدباقر بهبودی؛ تهران: کتابخانه بزرگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۸ ش.
- (۳) دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه دهخدا: زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.
- (۴) دیلمی، حسن بن ابی الحسن؛ ارشادالقلوب: قم: الشریف الرضی، چاپ اول، ۱۳۷۱ ش.
- (۵) سبحانی، جعفر؛ فروغ ولایت: قم: موسسه تعلیماتی و تحقیقاتی امام صادق (ع)، چاپ چهاردهم، ۱۳۹۴ ش.
- (۶) طبری، محمد بن جریر؛ جامع البیان: بیروت: دارالمعرفه، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
- (۷) عبدالحمید بن هبه الله ابن ابی الحدید؛ شرح نهج البلاغه: قم: مکتبه آیت الله المرعشی النجفی (ره)، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.
- (۸) عبدالله بن مسلم ابن قتیبه؛ الامامه و السیاسه: بیروت: دارالاضواء، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.
- (۹) کوئن، بروس؛ درآمدی بر جامعه شناسی: ترجمه محسن ثلاثی؛ چاپ چهل و چهارم، تهران: نشر توتیا، ۱۴۰۱ ش.
- (۱۰) محمدی ری شهری، محمد؛ علم و حکمت در قرآن و حدیث: قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحديث، چاپ اول، ۱۳۸۲ ش.
- (۱۱) محمدی ری شهری، محمد؛ رهبری در اسلام: قم: دارالحديث، چاپ دوم، ۱۳۷۷ ش.
- (۱۲) مطهری، مرتضی؛ یادداشت های استاد مطهری: جلد ۶، قم: انتشارات صدرا، چاپ اول، ۱۳۸۵ ش.
- (۱۳) مکارم شیرازی، ناصر؛ پیام امام امیرالمؤمنین (ع): تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش.
- (۱۴) شیخ رضی، ابوحسن محمد بن الحسین؛ خصائص الأئمة: مشهد: استان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۴۰۶ ق.

مقالات

- (۱۵) خاتمی، سید احمد؛ «امامان و جهاد فرهنگی و سیاسی»؛ پاسدار اسلام، شماره ۳۳۴، ۱۳۸۸ ش.
- (۱۶) رفیعی، ناصر؛ رنجبرحسینی، محمد؛ باباخانی، اعظم؛ «بایسته های فرهنگ کار مطلوب از منظر امیرالمومنین علی»؛ حدیث و اندیشه، شماره ۱۵، ۱۳۹۲ ش.